

در روزگارانسی کهن،

در همان هنگام که انسان‌های نخستین می‌زیستند و در کشمکش با خود و روزگار سخت‌شان بودند کسانی هم در میان‌شان بودند که به خود و جهان هستی نیز می‌اندیشیدند. این انسان‌های اندیشمند همان هنرمندانی بودند که اساطیر را آفریدند. اینان با ذهن خلاق خود پیدایش خود و جهان را آن‌گونه که در تصورشان بود در چارچوبی بسیار ساده و ابتدایی تفسیر کردند. پس تمامی پدیده‌های طبیعت را ایزدانی مقدس و ستودنی قلمداد کردند و وجودهایی که می‌بایست پرستیده می‌شدند تا مبادا ناخشنود شوند و ویرانی به‌بار آورند. بدین ترتیب این عوامل در نزد انسان نخستین ایزدانی شدند که مهر ایشان آرامش و بهروزی را به همراه می‌آورد و قهرشان نگون‌بختی و تیره‌روزی را؛ بدین ترتیب در پی ناتوانی انسان در رویارویی با این پدیده‌ها و علت وجودی آنان اساطیر و خدایان پدید آمدند. انسان با گذشتن از این مرحله به دوره‌ای از تحول فکری وارد شد و در پی آن در میان اقوام و ملل گوناگون حکومت‌هایی به وجود آمد و بشر وارد دوره‌ی تاریخی حیات خود گردید. این همان دوره‌ای است که خط پدید آمد و ادیان جانشین اعتقادات بدوی و قبیله‌ای و عشایری شدند. اما اساطیر در میان ادیان باقی ماند. و پدیده‌ها به صورت ایزدانی به حیات خود ادامه دادند. برخی از این ایزدان در اساطیر ایرانی عبارتند از:

ایزد مهر، ایزد خورشید، ایزد ماه، ایزد آتش، ایزد بانو، آناهیتا الهه‌ی آب، و بسیاری دیگر. در این مقال ابتدا به بررسی ایزد مهر و نقش اساطیری آن و پیدایش آیین مهر در ایران و اروپا و سپس به مقایسه‌ی تطبیقی آیین مهر با آیین زورخانه‌ای ایران، بنا بر نظریات استاد خود زنده‌یاد دکتر مهرداد بهار می‌پردازم.

مقایسه‌ی تطبیقی «آیین مهر» و «آیین زورخانه‌ای»

براساس جستار زنده‌یاد دکتر مهرداد بهار
کلیدواژه‌ها: آیین زورخانه‌ای، ایزد مهر

هایده صیرفی

ایزد مهر

ایزد مهر، (در اوستا - mitra، سنسکریت - mitra، فارسی میانه - mihr و سغدی - miši) یکی از خدایان بزرگ اقوام هند و اروپایی است. گواه این امر وجود کتیبه‌ها و الواح گلینی است متعلق به حدود ۱۴۰۰ ق.م که در سال ۱۹۰۷ در کاپادوکیه‌ی آسیای صغیر در بغازکوی (ترکیه‌ی امروز) یافته شده است. در این الواح که به خط میخی و عهدنامه‌ای است میان دو دولت هیتی و میتانی (قومی مستقر در جنوب دولت هیتی ۱۹۸۰ - ۱۵۰۰ ق.م) از دو ایزد بزرگ هند و ایرانی یعنی «میتره - ورونه» یاری خواسته شده است.

اگرچه ایزد مهر یادگاری از دوره‌های بسیار پیشین است اما نه در انجمن ایزدان گاهانی زرتشت جایی دارد و نه در کتیبه‌های متقدم هخامنشیان و تنها در اوستای نو و کتیبه‌های متأخر هخامنشیان (از دوران اردشیر دوم ۴۰۴ تا ۳۵۹ ق.م) از این ایزد نام برده می‌شود!



لُؤْمَهْرِبِنَابَر مَهْرِشْتِ اَوَسْتَا

مهر در اوستا ایزدی است با گردونه‌ای چهار اسبه که آسمان را می‌پیماید. (یشت ۱۰/۶۷/۶۸) دارای هزار چشم و ده هزار گوش است (یشت ۱۰/۷) پس هیچ چیز بر او پوشیده نیست. مهر ایزد عهد و پیمان است و با مهر دروجان (= پیمان‌شکنان) می‌ستیزد از همین روی «ایزد جنگ» نیز هست. (یشت ۱۰/۱۰۴)

بدین ترتیب ایزد مهر در اوستا سه خویشکاری (= وظیفه) دارد:

۱. فرمانروایی دو جنبه (نماد پرستاری = شهرباری و موبدی)
۲. رزم آوری (نماد پهلوانی)
۳. برکت‌بخشی (نماد واستربوشتی = کشاورزی و دامداری)

۱. فرمانروایی دو جنبه

مهر از «کلام راستین» آگاه است (یشت ۱۰/۴۹). پیکرش کلام ایزدی است و درک کلام مقدس می‌بخشد (یشت ۱۰/۲۵). شهرباری داناست (یشت ۱۰/۳۵) که فره و شهرباری می‌بخشد (یشت ۱۰/۶۵).

۲. رزم آوری

مهر نیرومندترین در میان آفریدگان است (یشت ۱۰/۶). قوی‌ترین، دلیرترین، چالاک‌ترین و پیروزمندترین ایزدی است که بر روی زمین جلوه می‌کند (یشت ۱۰/۱۳۵). پاسبان جهانیان (یشت ۱۰/۴۵) و یاری‌رساننده‌ی جنگ‌جویان است (یشت ۱۰/۷). جنگ‌جویی دلیر و شهرباری توانا و داناست (یشت ۱۰/۳۵). او دارای خنجر و گرز و تبرزین است (یشت ۱۰/۱۳۱/۱۳۰). سپری سیمین و زره‌ای زرین دارد (یشت ۱۰/۱۱۲). او دشمن پیمان‌شکنان یا مهر دروجان است. (یشت ۱۰/۳۶)

۳. برکت‌بخشی

مهر «دارنده‌ی دشت‌های فراخ» است (یشت ۱۰/۸۷). بخشنده‌ی ثروت و خانمان و آرامش است. (یشت ۱۰/۴). بخشنده‌ی گله و رمه و دهنده‌ی پسران زورمند است (یشت ۱۰/۶۵).

گَسْتَرِشْ مَهْرِپَستِی در اَروپَا

گسترش جهانی مهرپرستی یا میترائیسم به دوره‌ی اشکانیان می‌رسد. بنا بر روایات تاریخی مهرپرستی در این دوره خود به صورت آیینی بود که «آیین مهرپرستی» نام داشت. این آیین توسط دریانوردان آسیای صغیر به روم راه یافت و بدین ترتیب مهرپرستی در اروپا گسترش یافت به گونه‌ای که معابد مهری عظیمی برپا گردید.

اسطیرمِصِی

مهرپرستان اسطوره‌های بسیاری را که بیشتر به صورت نقش برجسته (در اروپا) باقی مانده است به مهر نسبت داده‌اند؛ از جمله:

○ «صخره‌ای آبستن شد و میترا را زایید»^۲ در واقع مهر صخره‌زاده‌ی است که نیرویی شگفت‌انگیز و سحرآمیز او را از دل سنگی سترگ به بیرون کشیده است. این اعتقاد که مهر از دل صخره‌ای زاده شده براساس سنتی کهن است و شاید به آن جا بازمی‌گردد که آتش از میان سایش دو قطعه سنگ پدید آمد و فروغ و روشنایی را به جهانیان عرضه کرد.^۳

مهر هنگام تولد کاملاً برهنه است

ولی کلاهی فریجی (فریج، قونیه‌ی کنونی، کلاه کیسه‌مانندی که انتهای آن به جلو و یا پشت خم شده) بر سر و دشنه‌ای و مشعلی در دست دارد. (در کاوش‌های رم مجسمه‌ای یافته شده که زایش مهر را از درون صخره نشان می‌دهد.)

○ تولد مهر با

کیهان نیز مرتبط است. مهر به

هنگام زایش کره‌ای در





در آیین مهری است. بنابراین اسطوره‌ی مهر در پی آن است که گاو- نخستین جانور آفریده‌ی هرمزد- را قربانی کند تا از کالبد او زندگی گیاهی و جانوری پدید آید. گاو را در چراگاهی می‌یابد. شاخ‌های او را با دو دست می‌گیرد و سوار گاو می‌شود ولی گاو او را بر زمین می‌افکند؛ اما مهر که همچنان شاخ گاو را در دست دارد در کنار او می‌دود و او را به غاری می‌کشاند، اما گاو دوباره می‌گریزد و مهر که چندان تمایلی به کشتن گاو ندارد او را رها می‌کند، ولی خورشید فرستاده‌ی خود کلاغ را به سوی مهر می‌فرستد و به او امر می‌کند که گاو را قربانی کند. سرانجام مهر گاو را می‌گیرد و به فرمان آفریدگار او را قربانی می‌کند. بدین ترتیب زندگی گیاهی و جانوری پدید می‌آید.

○ بنابر اسطوره‌ی دیگری، ایزد مهر پس از تولد در پی سنجش نیروی خود برمی‌آید. پس با خورشید زورآزمایی می‌کند

یک دست دارد و دست دیگرش بر روی منطقه‌البروج است. در یادمان‌های مهرکده‌ها تصاویر بروج دوازده‌گانه‌ی منطقه‌البروج بارها تکرار شده است. در این نقوش قدیمی دوازده برج را دایره‌وار ترسیم می‌کردند به گونه‌ای که مهر به‌عنوان ایزد زمان در میان آن قرار داشت. پیکره‌هایی از میترا یافته شده که «همچون ایزد زمان سال خورشیدی را که بر محور گاه‌شماری مبنی بر منطقه‌البروج می‌گردد نظارت می‌کند.»^۴

○ از دیگر اساطیر مربوط به ایزد مهر نبرد او با گاو مقدس است. در آثار باز یافته در نواحی رود رن و دانوب تصویرهایی از نبرد او و گاو مقدس به‌دست آمده است. قربانی گاو مقدس که نماد حیات حیوانی و گیاهی است از مهم‌ترین رسوم دینی

و خورشید را مغلوب می‌سازد و بر زمین می‌افکند. ولی مهر دست راست خود را به نشانه‌ی یاری به سوی خورشید دراز می‌کند و این دو با یکدیگر دست می‌دهند و مهر دیهیمی بر سر خورشید می‌نهد و از آن پس این دو یار یکدیگر باقی می‌مانند.

مقیسه‌ی تطبیقی معابد و مناسک مه‌ری با آیین زوزخانه‌ای

مناسک مه‌ری اغلب در غارها انجام می‌شد، اما در شهرها که غاری وجود نداشت این معابد را در زیرزمین بنا می‌کردند. به عبارتی معابد می‌بایست در گودی قرار می‌گرفتند. در این معابد هیچ روزن و نوری وجود نداشت و اغلب توسط پلکانی طولانی به سطح زمین می‌رسید. گاه این پلکان به اتاقی می‌رسید که مهرپرستان نخست خود را در آنجا آماده‌ی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله علمی-تخصصی

مراسم می‌کردند و سپس وارد جایگاه اصلی معبد می‌شدند. کنار در ورودی ظرفی پایه‌دار برای آب تبرک شده قرار داشت. در طرف مقابل در پای تصویر مهر دو آتشدان بود. درون معبد، دو ردیف سکو وجود داشت که تماشاچیان بر نیمکت‌هایی که کنار آن‌ها بود می‌نشستند.

در میان دو ردیف سکو گودی بود که مراسم اصلی در آن‌جا صورت می‌گرفت. بر دیوارهای معابد مهری تصویرهای بسیاری نقش شده بود.

«زورخانه‌های ما شباهت بسیار با این معابد مهری دارند. زورخانه‌ها همیشه با پلکانی طولانی از زیرزمین به سطح خیابان می‌رسند و معمولاً نوری اندک دارند... در داخل زورخانه، برخلاف معابد مهری دو سکوی کناری و یک صحنه‌ی مستطیل‌گودین میانین وجود ندارد و گود چندضلعی یا مربع زورخانه از همه‌سو با سکو احاطه شده است، ولی درست مانند معابد مهری در کنار سکو در پای دیوار نیمکت‌ها قرار دارند که تماشاگران بر آن‌ها می‌نشینند و به مراسم نگاه می‌کنند.»^۵

نکته‌ی اصلی: اشتراک گود و سکو و نیمکت

«در کنار در ورودی زورخانه، مانند معابد مهری، آبدانی وجود دارد که البته امروزه مورد استعمال خود را از دست داده است. به جای آتشدان‌ها که در معابد مهری در انتهای صحنه و دو سوی تصویر مهر قرار دارد، در زورخانه، در جلوی «سردم» اجاقی است که امروزه از آن برای گرم کردن ضرب و تهیه‌ی نوشیدنی گرم استفاده می‌شود.»^۶

نکته‌ی اصلی: اشتراک آبدان و آتشدان

«به همان گونه که بر دیوارهای معابد مهری نقش‌هایی مقدس بود در زورخانه‌ها نیز تصاویر و نقش‌هایی از رستم و پهلوانان وجود دارد.»^۷

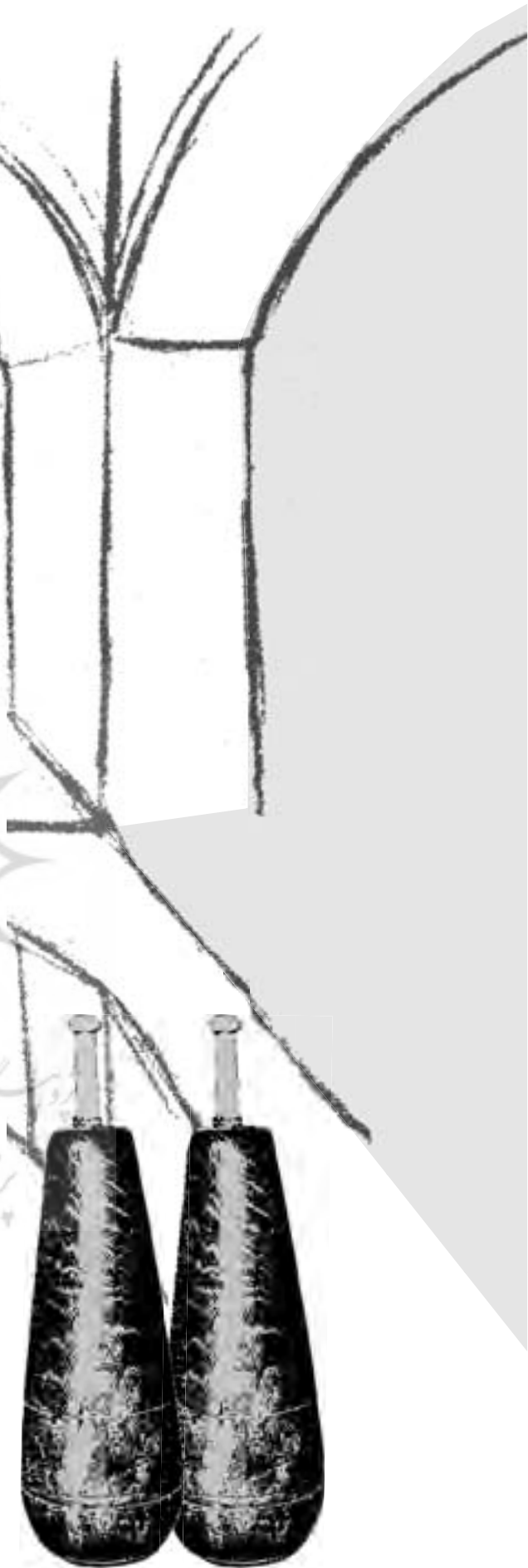
نکته‌ی اصلی: اشتراک نقوش و تصاویر

ورود به آیین مهر

کسی که می‌خواست به حلقه‌ی مهریان بپیوندد «نوجه» نام داشت. این نوجه می‌بایست به سن بلوغ رسیده باشد. «در زورخانه نیز مانند آیین مهر، تنها کسانی که به سن بلوغ رسیده‌اند حق تشریف دارند. در سنت پهلوانی ایران، مردی می‌تواند به سلک پهلوانان درآید که شانه بر صورت وی بایستد، یعنی تازه‌وارد باید بر چهره‌ی خود ریش داشته باشد.»^۸

نکته‌ی اصلی: اشتراک در به سن بلوغ رسیدن نوجه





پهلوانان یکدیگر را برادر

یا هم مسلک می خوانند و این همان است که در میان مهرپرستان نیز متداول بوده است. در زورخانه همواره و در هر کار حق تقدم با پیش کسوتان است و این سنت نیز دقیقاً در آیین مهر دیده می شود. «مراتبی که در زورخانهها وجود دارد، مانند کهنه سوار، مرشد، پیش کسوت، صاحب زنگ، صاحب تاج، نوچه و جز آن، ما را به یاد مراتب هفت گانه ی پیروان مهر می اندازد و چه بسا این هر دو نیز از یک اصل و منشأ بوده باشند.»^۹

نکته ی اصلی: اشتراک راه ندادن زنان، طی مراحل چندگانه، خواندن لقب برادر.

«موضوع اصلی در کار زورخانه کشتی گرفتن است و چون پهلوانی فرو افتد، آداب دست دادن را دو پهلوان به جای می آورند و با دست های چپ بازوهای راست یکدیگر را می گیرند (در بخش اساطیر مهری شرح داده شد) و آنان همانند مهر و خورشید با هم پیمان دوستی می بندند. دو کشتی گیر نیز هرگز با یکدیگر دشمنی نمی ورزند.»^{۱۰}

نکته ی اصلی: اشتراک در آداب کشتی گرفتن و دست دادن

همان گونه که در بخش اساطیر مهری ذکر شد ایزد مهر به هنگام زایش برهنه است. «پهلوان در گود، مانند مهر جامه ای بر تن ندارد و تنها بر میان خود لنگی دارد. برهنگی از مراسم حتمی گود است.»^{۱۱}

نکته ی اصلی: اشتراک در برهنگی در میان گود

«وجود قمه، دشنه یا چاقو در میان ورزشکاران زورخانه ای ما با دشنه ای که مهر به هنگام زادن با خود داشت و سلاح اصلی او بود (رجوع شود به بخش اساطیر مهری) همانندی دقیق دارد. پهلوانان ما نیز جز با قمه و دشنه به نبرد با دشمنان نمی پرداخته اند.»^{۱۲}

نکته ی اصلی: اشتراک در داشتن سلاح

در آیین مهر نوچه ای که می خواست به حلقه ی مهریان پیبوند طی مراسمی که «غسل تعمید» نام داشت وارد انجمن می شد. در این هنگام اسرار و مراسم توسط دو عضو والامقام منصب جماعت مهری یعنی «مرشد (= پیر) و «منادی» به وی آموزانده می شد. سپس نوچه قسم می خورد تا اسرار را از ناآشنایان، و خصوصاً زنان، مخفی نگاه دارد. بدین ترتیب او لقب «برادر» و نیز عنوان «فرزندی مرشد» را می گرفت. در این مرحله دست ها و پیشانی او خال کوبی می شد تا هویتش مشخص شود. سپس وارد مراحل دیگری می شد.

پنجاه روز در گرسنگی ماندن

بیست روز در یخ و برف ماندن

چندین روز شنا کردن

گذشتن از آتش

در انزوای مطلق زندگی کردن

با گذراندن این مراحل نوچه می توانست به مناصب هفت گانه ی مهری برسد که عبارت بودند از:

۱. مرحله ی کلاغ (نماد هوا، کلاغ پیام آور مهر است که نوچه در این مرحله نقاب کلاغ می زند)

۲. مرحله ی همسر (نماد آب، چون زنان حق ورود ندارند پس آنان به ازدواج کیش مهر درمی آیند)

۳. مرحله ی سرباز (نماد خاک، یعنی نوچه وارد خیل سپاهیان می شود)

۴. مرحله ی شیر (نماد آتش، همچون شیر نگهبان شعله ی آتش اند)

۵. مرحله ی پارسی

۶. مرحله ی پیک خورشید (نوچه چون مهر تازیانه و مشعل و خنجر در دست دارد)

۷. مرحله ی پیک خورشید (بالاترین منصب و نماینده ی مهر بر زمین است)

«در آیین زورخانه ای نوچه ها، پیش خیزها، نوحاسته ها و ساخته ها همان مقامی را دارند که در آیین مهر تازه واردان داشته اند. در زورخانه نیز مانند آیین مهر زنان را راه نیست. در زورخانه نیز مانند آیین مهر مقام اجتماعی و ثروت، جایی و ارزشی ندارد.»

«در آداب پهلوانی آمده است که پهلوان باید دلیر، طاهر، سحرخیز و پاک‌نظر باشد و علاوه بر ادای فرایض و سنن، شب‌زنده‌دار و دارای حسن اخلاق نیز باشد... در برابر در مهر یشت اوستا آمده است که مهر دشمن دروغ است (نک: بخش مهر) از کلام راستین آگاه است. مهر نخستین ایزدی است که پیش از خورشید در بالای کوه هرا (= البرز) برآید (نک: بخش مهر). در این ارتباط جالب توجه است بدانیم که تا زمان پهلوان‌اکبر خراسانی در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه، به جای آن که به‌مانند این زمان شامگاه به زورخانه روند، سحرگاهان به آن‌جا می‌رفتند و به ورزش می‌پرداختند و پیش از نماز صبح از آن‌جا بیرون می‌آمدند. این ما را به یاد ایزدمهر می‌اندازد که نخستین ایزدی است که پیش از طلوع خورشید در بالای البرز برمی‌آمده است.»^{۱۳}

(نک: بخش مهر بنا بر مهر یشت اوستا)

نکته‌ی اصلی: اشتراک دلیری و راست‌گویی و...

«بی‌تردید این گفتار نارسایی‌های بسیار دارد... خدا کند این موقع اندیشه‌ای را گرم کند.»^{۱۴} گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن مصلحی تو ای تو سلطان سُخُن

پی‌نوشت

- * دکترای تخصصی فرهنگ و زبان‌های باستانی
۱. در اوستای نو دو ایزد مهر و خورشید هر کدام یشت (= سرود ستایش) جداگانه‌ای دارند. یشت ششم از آن خورشید و یشت دهم متعلق به ایزد مهر است.
 ۲. آیین میترا، ص ۹۱
 ۳. همان، ۹۵
 ۴. ورمیلیازرن، مارتن، آیین میترا، ص ۹۷
 ۵. جستاری چند در فرهنگ ایران، ص ۱۵۶
 ۶. همان
 ۷. جستاری چند در فرهنگ ایران، ص ۱۵۷
 ۸. همان
 ۹. جستاری چند در فرهنگ ایران، ص ۱۵۷
 ۱۰. همان
 ۱۱. جستاری چند در فرهنگ ایران، ص ۱۵۷
 ۱۲. همان، ص ۱۵۸
 ۱۳. همان
 ۱۴. همان

منبع

۱. بهار، مهرداد. ادیان آسیایی، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲. بهار، مهرداد. جستاری چند در فرهنگ ایران، فکر روز، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۳. بهار، مهرداد (مترجم). بندهش، توس، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۴. پورداد، ابراهیم (مترجم). یسنا، اساطیر، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۵. پورداد، ابراهیم (مترجم). یشت‌ها، اساطیر، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۶. مقدم، محمد. جستار درباره‌ی مهر و ناهید، هیرمند، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۷. میرفخرایی، مهشید (مترجم). روایت پهلوی، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۸. ورمازرن، مارتن، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۲ ش.
9. Kellens, J. Pirart, E, (۱۹۹۰) *Les texts vieil-avestiques, Vol. II, Wiesbaden*
10. Mackenzie, D. N, (۱۹۷۱) *Pahlavi Dictionary, London*